

تجلی باورهای شیعی

در مضامین عاشورایی دیوارنگاره‌های بقاع متبرک گیلان

دکتر پریسا شادقزوینی / دانشیار دانشگاه الزهراء

چکیده

یکی از برجسته‌ترین نمادهای شیعی، واقعه کربلاست. بازتاب این واقعه در جوامع شیعی، در طول تاریخ به گونه‌های مختلف رخ نموده است. مردم گیلان به منظور پاسداشت حماسه عاشورا، مضامین این واقعه عظیم را بر دیوارهای بقاع نقش می‌زدند. شیعیان منطقه، مصایب کربلا را متعلق به خود می‌دانستند و در پیوندی عمیق با آن، در به‌تصویر کشیدن مجالس آن همت می‌گماشتند. نقش زدن بر در و دیوار بقعه، نوعی حرمت‌گذاری و ارادت به صاحب بقعه، و در جهت بیان باورهای پاک و بی‌غش مردم است. سنت نقش زدن مضامین مذهبی بر در و دیوار و ستون بقعه‌ها، رسمی کهن در منطقه است که حدود دو قرن قدمت دارد. پرداختن به مضامین حماسه جاودانه عاشورا در دیوارنگاره‌های بقاع، از سر عشق و دلدادگی انجام شده است و فاقد سند تاریخی است. در این دیوارنگاره‌ها بیشتر، ابعاد عاطفی واقعه کربلا به‌تصویر آمده است. این دیوارنگاره‌ها برای مردم جنبه‌ای مقدس داشته و در پرورش باورهای شیعی و آیین‌های سنتی ایشان، نقشی مؤثر ایفا می‌کرده است.

مقاله پیش رو بر این مطلب تأکید دارد که بازتاب مضامین عاشورایی دیوارنگاره‌های بقاع متبرک، نشان‌دهنده علاقه و باور مردم منطقه به اهل‌بیت و تأثیرگذاری آن بر باور شیعی مردم گیلان بود. غالب مضامین عاشورایی این دیوارنگاره‌ها را می‌توان با نگاه نمادین و اسطوره‌پردازانه عوام ارزیابی کرد؛ زیرا در ارتباط با فرهنگ شیعی عامه است.

کلیدواژه‌ها: بقاع گیلان، دیوارنگاری، عقاید شیعی، واقعه کربلا، جامعه‌شناسی شیعی، باور عامیانه.

مقدمه

یکی از عناصر مهم در هویت شیعی، نهضت عاشورا و عوامل متأثر و متعلق به آن است. در میان معارف شیعی، بیشترین چیزی که تحقق اجتماعی واقعی و فرهنگی داشته و هویت اجتماعی و عینی و روزمره و ملموس شیعه را رقم زده، واقعه عاشورا بوده است.

در این راستا، بقعه امامزادگان در ایران، مکان و جایگاهی متعالی برای تجلی عواطف شیعی مردم بوده است. در این مکان‌ها مردم برای برگزاری مجالس مذهبی یا بیان معضلات اجتماعی گرد هم می‌آمدند و به برپایی مجالسی چون روضه‌خوانی و تعزیه‌خوانی می‌پرداختند. منطقه گیلان، از نخستین جوامع شیعی ایران زمین است که در جغرافیای خود مقبره امامزادگان فراوانی را جای داده است. این بقاع در گیلان به علت سبقت شیعی منطقه، از پراکندگی بسیار زیادی برخوردارند به گونه‌ای که در هر شهر، آبادی و روستایی، بقعه امامزاده، پیر، درویش یا شهیدی رونق‌بخش منطقه است. مردم محلی احترام ویژه‌ای برای این اماکن مقدس قایل‌اند. شرکت در مراسم و مجالس مذهبی در این بقاع، ایجادگر حس مشترک روحانی و معنوی در میان مردم است و بر صلابت اعتقادات شیعه‌پرور ایشان می‌افزاید.

شیعیان گیلانی برای به‌عینیت درآوردن واقعه عاشورا، صحنه‌هایی از واقعه را بر در و دیوار و ستون بقاع به‌تصویر درآوردند. در طول سالیان، این رسم همانند آیینی مذهبی در میان عوام تداوم یافت؛ به گونه‌ای که آنها با وقف این نقاشی‌ها بر دیوار بقاع، به اولیاءالله توسل می‌کردند و از ایشان شفاعت می‌طلبیدند یا آنکه دین خود را به باورها و علایق شیعی ادا می‌نمودند. در خاستگاه مردمی، این نقاشی‌های دیواری، رنگی حماسی و شور و بیانی عاشقانه و عارفانه به‌خود می‌گیرد و نشانگر اخلاص و عشق وافر ایشان به آرمان‌ها و باورهای شیعی است.

در واقع، مناسک و مراسم و بازخوردهای مختلف دیگر عاشورایی، هویت شیعی را بازتولید می‌کند. در طول تاریخ، همین مناسک عاشورایی بوده است که شیعیان را

در کنار یکدیگر جمع می‌کرده است؛ جامعه شیعی را تشکیل می‌داده و همچنین اجتماعات شیعی را دور هم جمع می‌کرده است. در دوره‌هایی که شیعه حکومت و ملت خاصی نداشته و معمولاً در اقلیت و تحت فشار بوده است، این مناسک و مراسم باعث می‌شده است که شیعیان در کنار یکدیگر جمع شده و قوت خودشان را حفظ کنند... نهضت عاشورا و مناسک عاشورایی، از این جهت دایرمدار کل تاریخ شیعه بوده است و تاریخ شیعه تداوم خویش را مدیون این حوزه‌ها و هیئت‌هاست؛ هم از وجه معرفتی که هویت معرفت‌شناسی تشیع را بازنمایی می‌کند و هم از جهت تحقق اجتماعی‌اش. (شهرستانی، سید حسین، ۱۳۹۰)

نوع برخورد جوامع شیعی با نهضت عاشورا فرق دارد؛ همان‌گونه که دین‌داری عوام از خواص جداست. عوام با دل و جان خود با هستی رابطه برقرار می‌کنند؛ شاید از دلایل عقلی دین‌گریزان باشند، ولی با حس و روح خود به درک این مطالب در حد دیگری نایل می‌آیند.

در بررسی مضمونی دیوارنگاره‌های بقاع گیلان، متوجه این امر می‌شویم که تقریباً تمامی مجالس نقاشی‌شده، دارای مضامینی مذهبی با بار مفاهیم شیعی‌اند و بیانی روایتگرانه دارند. بیشتر مجالس این دیوارنگاره‌ها با توجه به باورهای مردم منطقه، درباره واقعه کربلا و حوادث قبل و بعد از آن است. این مضامین، با روح دردآشنای مردم و نیازشان به ملجأ و پناهگاهی امن، ارتباطی تنگاتنگ دارد و به‌نظر می‌رسد نقاشان این دیوارنگاره‌ها مجالس سوگواری را برای همهٔ زمان‌ها در راستای عشق و ارادت و سرسپردگی مردم این دیار به اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌تصویر کشیده‌اند. مجالس سوگواری شیعیان را باید یکی از مهم‌ترین مظاهر دین‌داری شیعیان و از زمره آیین‌های دین‌داران به‌شمار آورد. محوریت مجالس عزاداری شیعیان، از بدو تأسیس‌شان توسط امامان شیعه، واقعه عاشوراست. در باور شیعه، این واقعه، هولناک‌ترین فاجعه بشری در طول تاریخ است.

روش تحقیق این مقاله، میدانی است و در آن بیش از بیست بقعه در منطقه، در دو دوره زمانی دهه شصت و هشتاد بازدید شد. افزون بر آن، برای تکمیل مستندات، از منابع کتابخانه‌ای بهره گرفته شد. فرضیه غالب در این مقاله آن است که دیوارنگاره‌های بقاع گیلان، از آن رو بیشتر حاوی موضوعات عاشورایی است که در راستای نیازهای معنوی و عقاید شیعه‌پروری مردم منطقه و تمنای شفاعت، شکل گرفته است. مضامین این آثار، با نگاهی عامیانه تصویر شده‌اند و بیشتر روایتگر وقایع شیعی‌اند و از منظر واقع‌نگاری تاریخی، قابل استناد نیستند. این آثار، وام‌دار میراث معنوی شیعی در میان عوام‌اند و از ارزش‌های والای مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی شیعی برخوردارند.

نقش امامزاده‌ها در شکل‌گیری باورهای شیعی در گیلان

بقاع و امامزاده‌های گیلان که اماکنی مقدس شناخته می‌شوند، داستان عشق و دلدادگی و توسل مردمی است که به پاکی‌ها و مروت‌ها دل باخته‌اند. از آنجا که مردم گیلان اسلام را با رهبری علویان پذیرفتند، دلدادگی ایشان به اهل بیت علیهم‌السلام و علویان نیز سابقه‌ای طولانی دارد. «بسیاری از پژوهندگان را اعتقاد بر این است که رسم عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام از زمان آل‌بویه آغاز شد و این اعتقاد بر روایت ابن کثیر مبتنی است که در احسن القصص آورده». (الهی، ۱۳۷۷، ص ۲۴)

مذهب اکثریت مردم گیلان تا دوره صفویه زیدی بود و پس از تسلط صفویان بر گیلان، صوفی‌گری و طرف‌داری از صوفیان رواج یافت و شیعیان دوازده‌امامی توانستند به رواج دین و آیین و شریعت خود پردازند. اینان به بقاع امامزادگان نیز علاقه نشان می‌دادند و برای آنان صندوق و ضریح ساختند. تعداد بالایی از مزارهای قدیمی منسوب به سادات، از این دوران زیارتگاه مردم شدند و کم‌کم به صورت اماکن متبرک و مقدس درآمدند و در رشد باورهای شیعی منطقه تأثیرگذار شدند. امامزادگان بقاع گیلان، اکثراً دارای شجره‌نامه‌اند و به امامزادگان علوی، شهیدان، دراویش، عرفا یا سید و سادات منطقه منسوب‌اند.

به واقع، تعداد بقاع متبرکه و مزار در گیلان چنان زیاد است که نسبت به مساحت آن، هیچ منطقه‌ای در ایران به پای آن نمی‌رسد. این امر نشان‌دهنده قدمت تاریخی شیعه‌گری در گیلان، علاقه شدید مردم منطقه به سادات و فرزندان امامان معصوم علیهم‌السلام و حریم امن بنای امامزاده‌ها و بقاع به‌عنوان اماکنی است که مردم به آنجا متوسل می‌شدند و در آنجا پناه می‌گرفتند و به منظور نگهداری حرمت آن، به حفظ و زیباسازی آن می‌پرداختند.

بر اساس اعتقاد به شفاعت امام حسین علیه‌السلام که در دعاها و زیارت‌ها و احادیث آمده است، دوستی، شفاعت، و طلب نجات، از عوامل اصلی تحول و گسترش آیین‌های عاشورا در میان شیعیان است. مردم گیلان نیز به‌عنوان یک جامعه شیعی، بنا به سنت دیرینه خود، مراسم عزاداری حسینی را بیشتر در کنار این بقاع برگزار می‌کرده و می‌کنند.

دیوارنگاره‌های بقاع

یکی از ویژگی‌های مهم و بارز هنر مردمی آن است که بیانی صریح، بی‌واسطه و برآمده از نهاد درونی جامعه دارد و هویت مذهبی، ملی و بومی خود را حفظ می‌کند. در دیوارنگاره‌های بقاع متبرک گیلان نیز می‌توان این ویژگی‌ها را یافت. این دیوارنگاره‌ها، به نمایش حماسه‌ها، رشادت‌ها و حق‌طلبی‌هایی می‌پردازد که هم مظلومیت اهل‌بیت علیهم‌السلام را نشان می‌دهد و هم مردم را همدرد آنها می‌کند؛ به گونه‌ای که این مصیبت را مصیبت خود می‌دانند. مردم با یاد اهل‌بیت علیهم‌السلام و زنده نگه داشتن قیام و مبارزات حق‌طلبانه‌شان، آن شور و عشق و حماسه را زنده نگه داشتند و بارور ساختند. اندیشه شفاعت و نجات در باور شیعی با مظلومیت امام حسین علیه‌السلام ارتباط تنگاتنگ دارد و واقعه کربلا همیشه الهام‌بخش انقلاب و قیام‌های مردمی برضد بیداد بوده است. این افکار و باورها به شعر و ادبیات و هنر نیز راه یافت و در میان عوام پررنگ‌تر رخ نمود. دیوارنگاره‌های بقاع، شاهد ما بر این مدعاست.

همان گونه که در تصاویر ۱ تا ۱۰ مقاله می‌بینیم، دیوارنگاره‌های بقاع با مضامینی باوری گره خورده است. هنرمند بی‌وضو و بی‌طهارت به خلق اثر نمی‌پرداخت و تا روضه سیدالشهدا (ع) را نمی‌خواند و بر مظلومیت اهل بیت (ع) اشک نمی‌ریخت و توسل نمی‌جست، توان کار نمی‌یافت. «برای کاری تا این حد و از این دست، باید نقاش، خود دارای اعتقادات و احساسات قوی و ریشه‌داری باشد تا هنرش بتواند دیگران را تحت تأثیر قرار دهد». (بلوکی فر، ۱۳۶۴، ص ۵۴) هنرمندان این دیوارنگاره‌ها، در واقع کسانی بودند که وقتی صحنه‌هایی نظیر گودال قتلگاه را تصویر می‌کردند، خود در کنار مجلس سیدالشهدا (ع) اشک می‌ریختند و روضه می‌خواندند. خلق این آثار، نه به واسطه شهرت یا دستمزد، بلکه توسلی بود و طلب شفاعت و ادای وظیفه. هنرمند ترجیح می‌داد گمنام بماند و شناخته نشود. از همین روست که هنرمندان این آثار به‌سختی شناسایی شده‌اند و در برخی موارد، همچنان مجهول‌الهویه مانده‌اند. این هنرمندان، با روش درویش‌مآبانه خود، آثاری آفریدند که برآمده از باور قلبی و ایمان باطنی‌شان بود.

پس از رواج شیعه‌گری توسط صفویان، تصویرسازی مضامین مذهبی با بیان اسطوره‌ای و حماسی بر دیوار بقاع متبرک ایران مورد توجه قرار گرفت و حمایت‌های مردمی را به‌خود اختصاص داد. این امر در ارتباط با امامزاده‌های گیلان شیوع بیشتری داشت.

آراستن بقاع را حداقل در سده‌های نخست اسلامی، باید در راستای آرایش مساجد پی‌گیری کرد. همان‌گونه که مساجد هیچ‌گاه به تصویر جانداران آراسته نشد و همواره تزئیناتی تجریدی مانند کتیبه‌های خوشنویسی و نقش و نگارهای مذهب داشت، در آرامگاه‌ها نیز از این گونه تزئینات بهره می‌بردند. بناهای متعددی از دوره سامانی و غزنوی و سلجوقی وجود دارد که تنها نقوش تجریدی زینت‌بخش آنهاست. گفتنی است که این گونه تزئینات، با اندیشه دینی اهل سنت که بر اریکه قدرت بودند نیز هماهنگ بود. مسلم است از یک زمانی و در گروهی از

آرامگاه‌ها، شیوه آرایش تغییر کرد و در کنار نقوش تزئینی و کتیبه‌نگاری، بازنمایی پیکره‌وار روایات مذهبی نیز رایج شد. (میرزایی مهر، ۱۳۸۶، ص ۱۹)

هرچند تاریخ دقیقی از این دیوارنگاره‌ها موجود نیست، اما در جست‌وجوی قالب و شیوه‌های اجرا می‌توان ردپایی از تصویرگری اواخر دوره صفویه و اوایل قاجار را در آن یافت. در سفرنامه مکنزی، که آقای دکتر منوچهر ستوده در کتابش به آن اشاره می‌کند، شخصی به این نام در زمستان و بهار (۱۸۵۸-۱۸۵۹م) یعنی نزدیک به ۱۵۰ سال پیش، سفری از رشت گیلان تا استرآباد مازندران می‌کند و در سفرنامه‌اش می‌آورد: «پس از ورود به شهر لاهیجان، در اول شهر تکیه‌ای بود که بر دیوار آن نقاشی‌های صحرای کربلا دیده می‌شد. این نقاشی‌ها کار «شوشتر» نقاش بود و ایلچی فرنگی با لباس برازنده‌ای نقاشی شده بود». (ستوده، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۷۵)

نظریه دیگری بر این امر تأکید می‌ورزد که این دیوارنگاره‌ها زمانی در میان توده مردم جای پیدا کرد که تعزیه به اجرا درآمد. البته تعزیه‌خوانی در گیلان، سنتی غیربومی بود و به احتمال قوی از منطقه طالقان آمده است.

تعزیه از مهم‌ترین، پرشورترین و پرجاذبه‌ترین مراسم سنتی مذهبی، و در عین حال کامل‌ترین گونه نمایش سنتی و مردمی ایران است... تعزیه‌خوانی در گیلان، از جهت روش و شیوه اجرا و نوع تعزیه‌نامه، زیر نفوذ و تأثیر قزوین است. در شهرهای گیلان، تعزیه‌خوان‌ها محلی هستند و گروه‌های تعزیه‌خوان گیلان، تا شهرها و روستاهای جلگه‌ای مازندران هم می‌روند... در گیلان، مکان خاصی به منظور خواندن تعزیه ساخته نشده است. فضای باز جلوی مساجد را تکیه می‌نامند و مجالس تعزیه در آنجا برگزار می‌شود. (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۶۵)

در بسیاری از بقاع گیلان - که اداره حفظ آثار هنری در چهل سال پیش از آنها نام می‌برد - دیوارنگاری دیده شده است. محل بقاع ثبت‌شده در «اداره حفظ آثار هنری» که در آنها دیوارنگاری انجام گرفته است، از غرب به شرق گیلان، بالغ چهل بقعه بود که در مجموع، در مناطق کوچصفهان، آستانه (نیاکو)، لاهیجان، لنگرود و

رودسر و املش، لشت نشاء، و دیلمان واقع بودند؛ در حالی که امروزه به دلیل بازسازی، تعداد بقاعی که در آنها دیوارنگاره باشد، به کمتر از بیست بقعه رسیده است.

مضامین عاشورایی، دیوارنگاره‌ها

در دیوارنگاره‌های بقاع، مضمون شهدا و واقعه کربلا، گستردگی بسیار چشمگیری دارد؛ به گونه‌ای که بدون استثنا در تمامی بقاع نقاشی شده، دست کم یک صحنه مربوط به واقعه کربلا وجود دارد. پراکندگی موضوعی این واقعه، به طور کلی در ۲۸ مجلس به تصویر کشیده شده است. در تمامی این مجالس، شخصیت اباعبدالله علیه السلام، اصحاب و اهل بیت علیهم السلام اسطوره‌پردازی شده‌اند و در عین نمایش مظلومیت، بر حقانیت و غلبه ایشان بر کفار تأکید شده است. در این دیوارنگاره‌ها، شخصیت امام و یارانشان در مرکز کار و در اندازه‌ای بزرگ‌تر کشیده شده‌اند؛ در حالی که یزیدیان و کفار با چهره‌های نگران در گوشه کادر قرار دارند یا آنکه به دو نیم تقسیم شده‌اند. در حقیقت، هنرمند در این آثار بر ترکیب‌بندی مقامی تأکید دارد.

بیشترین مضامین عاشورایی عبارت‌اند از:

۱. به میدان رفتن حضرت علی اکبر علیه السلام، شیون و فغان اهل حرم (حضرت زینب علیها السلام، سکینه و...) (تصاویر شماره ۱ و ۳)؛
۲. گهواره حضرت علی اصغر علیه السلام (تصاویر شماره ۱ و ۴)؛
۳. در بستر بودن حضرت زین العابدین علیه السلام (تصاویر شماره ۱ و ۴)؛
۴. به میدان رفتن قمر بنی هاشم، علمدار کربلا، حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام (تصویر شماره ۳)؛
۵. به میدان رفتن حضرت قاسم علیه السلام (تصویر شماره ۵)؛
۶. مجلس حضرت سکینه علیها السلام؛
۷. به حجله ماندن عروس حضرت قاسم علیه السلام؛
۸. شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام (تصویر شماره ۷)؛

۹. حضرت سیدالشهدا علیه السلام بر بالین جناب علی اکبر علیه السلام (تصویر شماره ۷)؛
۱۰. نبرد حضرت قاسم علیه السلام با ازرق شامی و پسرانش (تصویر شماره ۵)؛
۱۱. اتمام حجت امام حسین علیه السلام (تصویر شماره ۲ و ۶)؛
۱۲. به یاری طلبیدن امام حسین علیه السلام (تصویر شماره ۲ و ۶)؛
۱۳. حضرت سیدالشهدا علیه السلام با جناب علی اصغر علیه السلام (تصویر شماره ۲ و ۶)؛
۱۴. شهادت حضرت علی اصغر علیه السلام (تصویر شماره ۶)؛
۱۵. به تصویر کشیدن صف انبیا و اولیا و آمدن جعفر جنی و سپاه جنیان به یاری امام حسین علیه السلام (تصویر شماره ۲ و ۶)؛
۱۶. صف بستن ملائک - نامه درویش کابلی (تصویر شماره ۲ و ۶)؛
۱۷. گودال قتلگاه؛
۱۸. اجساد شهدا و زاری شیرها و حیوانات بر اجساد؛
۱۹. پاسداری شیران از شهدا؛
۲۰. اشک خون ریختن شیران و پرندگان بر جنازه‌های بی‌سر و تیرباران‌شده؛
۲۱. شام غریبان؛
۲۲. بردن اسیران و سرهای شهدا به شام (تصویر شماره ۹)؛
۲۳. حضور اسیران در کاخ یزید؛ اهانت به سرهای شهدا؛ اهانت به حضرت زینب علیه السلام؛ اهانت به حضرت زین العابدین علیه السلام و بی‌حرمتی به حرم اهل بیت امام حسین علیه السلام (تصویر شماره ۸)؛
۲۴. حارث و طفلان مسلم بن عقیل؛
۲۵. نبرد حضرت مسلم بن عقیل با کوفیان؛
۲۶. قیام مختار و خون‌خواهی او از کوفیان؛
۲۷. محاربه با قاتلان کربلا؛
۲۸. شمع آجین کردن مسیبان صحرای کربلا (تصویر شماره ۱۰).

از دیگر مضامینی که به صحنه شهدا و مقام والای روح شهید می‌پردازد، شهادت ائمه اطهار علیهم‌السلام است. برخی از این مضامین عبارت‌اند از:

۱. شهادت حضرت امام موسی بن جعفر علیه‌السلام در زندان؛

۲. ضربت خوردن حضرت علی علیه‌السلام؛

۳. شهادت حضرت امام رضا علیه‌السلام با انگور زهرآلود.

در این دیوارنگاره‌ها، افزون بر مضامین صحنه‌های واقعه کربلا و شهادت مظلومانه ائمه اطهار علیهم‌السلام تصاویر بسیار تکان‌دهنده‌ای از بیان باورهای شیعی از جهان پس از مرگ، قیامت، روز جزا، بهشت و جهنم و ترازوی عدل الهی وجود دارد.

در گذشته، این دیوارنگاره‌ها همچون صحنه‌های نمایش یک فیلم، قادر بود واقعه عظیم کربلا را با رشادت‌هایش برای مردم تصویر کند. مردم عوام بدون آنکه به متون «مقتل» مراجعه کنند، با دیدن این تصاویر، واقعه حماسی عاشورا را در ذهن خود ثبت می‌کردند. قهرمانان این نگاره‌ها، اسطوره‌های ایثار و بزرگ‌مردی و صلابت بودند که با رشادت‌هایشان بر حقانیت راهشان تأکید می‌کردند. وجود مردم، با این رشادت‌ها عجین می‌شد. امروزه مردم بیشتر در ایام سوگواری ماه‌های محرم و صفر یا شهادت اولیاءالله در این امامزاده‌ها گرد هم می‌آیند تا در مراسم و آیین‌های مذهبی شرکت کنند و کمتر به بیان روایی واقعه کربلا، که بر دیوارها منقوش شده‌اند، توجه می‌کنند. به‌نظر می‌رسد، آن آیین تشریف جمعی، در میان نسل جدید منسوخ شده است. امروزه جامعه شیعی مردم منطقه و متولیان این اماکن، کمتر به مجالس این دیوارنگاره‌ها توجه می‌کنند.

تحلیلی بر مضامین عاشورایی دیوارنگاره‌های پنج بقعه

در این بخش از مقاله، پنج بقعه از میان بقاع نقاشی‌شده در گیلان، که هنوز به‌عنوان اماکن مقدس مورد احترام و توجه‌اند و مناسک و آیین‌های شیعی، همچون عزاداری ایام محرم و صفر را با ویژگی‌های بومی خود در آن برگزار می‌کنند، به‌عنوان شاهد انتخاب شده‌اند.

۱. بقعه آقاسیدمحمد بن امام جعفر صادق علیه السلام در محله پینجا

این بقعه واقع در پنج کیلومتری جنوب آستانه اشرفیه، یکی از پراعتبارترین و مشهورترین بقاع محلی است که دارای مجالس مختلف نقاشی بر دیوارهای خارجی و داخلی آن بود. نگارنده در سال ۱۳۶۵ از فضای خارجی و داخلی این بقعه بازدید به عمل آورد. در آن زمان، آثار حماسی بسیار جانسوزی از واقعه کربلا بر در و دیوار بقعه مشاهده می‌شد که شخصیت اباعبدالله علیه السلام و اصحابش اسطوره مقاومت و مردانگی نشان داده شده بودند. متأسفانه در بازسازی بنای این امامزاده، تمامی مجالس دیوارنگاره‌ها و کلیه نقوش و تزیینات آن از بین رفت. در کتاب گیلان ما، درباره این بقعه می‌خوانیم:

بقعه آقاسیدمحمد بن امام جعفر صادق علیه السلام یکی از بقاع محلی است که بر دیوارهای داخلی و خارجی آن، مجالس مختلفی نقاشی شده است. این بقعه دارای یک ضریح چوبی مشبک با طرح‌های هندسی زیبا و سقف هرمی شکل است که در وسط حرم قرار دارد. سه طرف آن، ایوان دارد و هر ایوان دارای یک در ورودی به حرم است. درهای ورودی، دارای کتیبه ساده و برخی کنده‌کاری‌های ظریف است. در کتیبه در ورودی اصلی، تاریخ ۷۸۰/ق ۱۳۷۰م آمده است. (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۶۱)

همچنین درباره نقاش و مجالس نقاشی شده این بقعه می‌خوانیم: «دهکده پینجا از روستاهای آستانه اشرفیه است که بقعه آقاسیدمحمد بن امام جعفر صادق علیه السلام در آنجا واقع است. خوشبختانه برعکس بقاع دیگر، آثارش از لحاظ هنر نقاشی غنی می‌باشد. نقاشی‌های این بقعه در تاریخ ۱۳۳۳ قمری به وسیله مشهدی آقاجان لاهیجانی ترسیم شده است». (همان، ص ۴۰۳ و ۴۰۴)

نگارنده پس از بازدید در سال ۱۳۶۵، در رساله شخصی‌اش درباره این بقعه چنین

می‌نویسد:

این بقعه تا حد زیادی سالم‌تر و بهتر مانده. معماری فضا مشابه سایر بقاع این منطقه است. بنای اصلی، اتاقی ساده چهارگوش است و مرقد امامزاده در وسط قرار دارد. بر روی مرقد، صندوقی چوبی و کنده کاری شده قرار دارد. مرقد این امامزاده را دیوارهای نقاشی شده پوشانده است. تمامی دیوارهای بقعه، پر از نقاشی مجالس سیدالشهدا علیه السلام است و تنها دیوار شرقی بنا سفید مانده است. تشابه تکنیکی در دیوارنگاره‌های این بقعه با سایر بقاع متبرکه، استفاده از رنگ‌ها به صورت تخت و یک‌دست است و مرمت کاری روی نقاشی‌ها مشاهده نمی‌شود. نقاشی‌های این بقعه، عمل استاد آقا جان نقاش لاهیجانی است که صحنه‌هایی از صحرای کربلا، همچون امام حسین علیه السلام در میدان، جنگ ابوالفضل علیه السلام با مارد بن سدیف، جنگ حضرت قاسم علیه السلام با ازرق شامی، گودال قتلگاه، اشک خون ریختن پرندگان و شیرها، و معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد. ایاتی از هفت‌بند محتشم کاشانی در حواشی این نقاشی‌ها آورده شده. دیوارنگاره‌های این بقاع به تاریخ ۱۳۳۳ قمری، یعنی حدود یک قرن پیش به تصویر درآمده است. در طرفین در ورودی اصلی بقعه نیز دو علم و دو پرنده نقاشی شده است.

تصاویر شماره ۱ و ۲، نمونه‌هایی از دیوارنگاره‌هایی است که در همان سال ۱۳۶۵ عکاسی شده‌اند. نگاه کنید به تصویر شماره ۱ با موضوع «به میدان رفتن حضرت علی اکبر علیه السلام». در این تصویر، شاهد شیون و فغان اهل حرم، ام‌البنین، حضرت زینب علیه السلام، سکینه و... هستیم. حضرت اباعبدالله علیه السلام در سمت چپ دیوارنگاره در حال صحبت کردن با علی اکبر علیه السلام است؛ در حالی که گهواره حضرت علی اصغر علیه السلام در سمت چپ بالا قرار دارد و امام سجاد علیه السلام در بستر آرمیده است. همان گونه که دیده می‌شود، جنبه روایتگری در این کار غلبه دارد. در تصویر شماره ۲ با موضوع «اتمام حجت امام حسین علیه السلام»، حضرت سیدالشهدا علیه السلام را در حالی می‌بینیم که جناب علی اصغر علیه السلام را در آغوش دارند و ندای «هل من ناصر ینصرنی» سر داده‌اند. در این حال، انبیا و اولیا

به کمک آمده‌اند؛ ملائک صف بسته‌اند؛ درویش کابلی امان‌نامه آورده و سپاه جنیان به رهبری جعفر جَنّی به یاری امام حسین علیه السلام آمده است. شخصیت‌های اصلی در این دو دیوارنگاره، با آرامشی که در چهره دارند، اسطوره‌های صلابت و استواری‌اند. نقاش عظمت وجودی قهرمانان این حماسه را با قرار دادن پیکر آنها در مرکز اثر، و بیان نمادین دیگر عناصر تصویری نشان داده است. متأسفانه با از بین بردن این آثار، همهٔ این جاذبه‌های تصویری که بیانگر هیجانات و علایق شیعی مردم بومی بود، امروزه فقط در حافظه‌ها مانده است.

۲. بقعهٔ چهار پادشاه لاهیجان

این بقعه، از دیگر بقاع منطقه است که محل دفن سید خورکیا، مقتول به سال ۶۴۷ق است. بعدها کنار قبر او، سادات زیدی کیایی به خاک سپرده شدند که به سال ۷۹۱-۸۲۹ق در جنگ رشت کشته شده بودند. از آنجا که در گیلان اولیا و پیشینیان دین و عرفای نامی را پادشاه می‌خواندند، این محل که مدفن چهار شهید سادات است، به نام «چهار پادشاه» خوانده شد. دکتر ستوده در کتاب خود در شرح چهار پادشاه می‌آورد:

این محل در ابتدا مقبرهٔ سید خورکیا، مقتول به سال ۶۴۷ق بود. چون سایر سادات زیدی کیایی را در جوار این سید به خاک سپرده‌اند، این محل به نام چهار پادشاه شهرت پیدا کرد. به طور کلی، بقعهٔ چهار پادشاه مزار چهار تن از بزرگان لاهیجان است: ۱. سید خورکیا، متوفی ۶۴۷ق؛ ۲. سیدعلی حسینی، متوفی ۷۹۱ق؛ ۳. سیدرضا حسینی، متوفی ۸۲۹ق؛ ۴. سیدرضی کیا، متوفی ۸۲۹ق. (ستوده، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۷۵)

بر روی آرامگاه‌ها، صندوقچه‌های چوبی کنده‌کاری‌شده‌ای قرار داده شده که اشعاری با کتیبه‌هایی خوش خط اشعاری در وصف شهدای محل بر روی آن نقش بسته است. زمان ساخت قدیمی‌ترین این صندوقچه‌ها، ۷۹۱ق است و متأخرترین آنها متعلق به سال ۱۰۱۵ق است.

معماری بنای چهار پادشاه دارای اتاق‌های مستقلی در کنار یکدیگر است که مقبره هر یک از شهدا در یکی از آنها قرار دارد. (البته در حال حاضر این بنا دچار تغییراتی شده است). دیوارهای این بنا سابقاً همگی پوشیده از نقاشی دیواری بود که بر اثر تعمیرات و گچ‌کاری‌ها، به جز سه دیوارنگاره بر دیوارهای خارجی این بقعه، نقاشی دیگری برجای نمانده است. بر دیوار خارجی (نمای شمالی) اتاق مقبره سید خورکیا در دو گوشه در ورودی، صحنه‌هایی از واقعه کربلا نقاشی شده است. دیوارنگاره دست راست در ورودی، «مجلس به میدان رفتن علی اکبر علیه السلام» است (ن.ک: تصویر شماره ۳) و دیوارنگاره دست چپ در ورودی، «مجلس تقاضای آب از حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام» را نشان می‌دهد. (تصویر شماره ۴) هر دوی این دیوارنگاره‌ها در تاریخ ۱۳۵۳ق مرمت شده‌اند. همان‌گونه که در هر دو تصویر دیده می‌شود، ترکیب‌بندی مقامی بر آنها حاکم است و تأکید نقاش، بر روایتگری شخصیت اسطوره‌وار حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و علی اکبر علیه السلام است. هر دو بزرگوار در میانه اثر کار شده‌اند و دیگر شخصیت‌های واقعه کربلا در اطراف ایشان صف‌آرایی کرده‌اند. وجه معرفت عامیانه شیعه‌گری در گیلان، در نقوش ساده‌شده این دیوارنگاره‌ها نمایان است.

۳. بقعه آقاسیدابوطالب و بقعه ملاشمس‌الدین

این دو بقعه، در محله لاشیدان حکومتی لاهیجان قرار دارند. بنای این بقاع و آثار دیوارنگاره‌های هر دو بقعه، دچار آسیب کلی شده‌اند. ساختمان بقعه آقاسیدابوطالب تقریباً به طور کلی از بین رفته، ولی بقعه ملاشمس‌الدین از تخریب کامل مصون مانده است. بقعه ملاپیرشمس‌الدین بنایی قدیمی و آجری با بامی سفالی است که دارای دیوارنگاره‌هایی با مضمون عاشورایی فوق‌العاده است. ملاشمس‌الدین از زاهدان و بزرگان عصر خود بود که در دهم ذی‌الحجه ۹۵۹ق درگذشت. تاریخ دقیق ساخت بقعه مشخص نیست؛ ولی آمده است که این بقعه به سال ۱۲۷۵ق تعمیر شده. بقعه

اصلی ساختمان، آجری است که متصل به مسجد (حسینیه) ای می‌باشد. با اتصال مسجد (حسینیه) به بقعه، حجم عظیمی از نقاشی‌های دیواری از بین رفته است. دیوارهای داخلی و خارجی بقعه، دارای نقاشی‌هایی با مجالس مذهبی شیعی است. در سال ۱۳۸۵ بر دیوارهای داخلی بقعه هنوز شش نقاشی باقی بود که در حال تخریب بودند. در تصویر شماره ۵، مجلس «نبرد حضرت قاسم علیه السلام با ازرق شامی و پسرانش» را می‌بینیم که بر دیوار فضای داخلی بقعه نقش بسته است. در اینجا حضرت قاسم علیه السلام خوش‌چهره تصویر شده و رشیدانه در حال نبرد با یزیدیان است. حرکت سر اسب‌ها، نیزه‌ها و سربند حضرت، بر سرعت و ستیزه‌جویی او با کفار می‌افزاید. شیوه اجرای اثر در این بقعه، با دیگر بقاع تا حد چشمگیری متفاوت است. در این آثار، بیان عاطفی عمیقی نهفته شده است. از نکات قابل توجه در این مجالس، نمایش چهره کفار است که به صورت نیم‌رخ و کاریکاتوری کشیده شده که هویتی مضحک و حقیر به کفار بخشیده است. به نظر می‌رسد نقاش برای بیان نفرت خود از این افراد، چهره آنها را به تمسخر گرفته است.

مجلس اتمام حجت امام حسین علیه السلام به همراه علی اصغر علیه السلام (تصویر شماره ۶)، از سوزناک‌ترین مجالس این بقاع است که در سمت چپ حسینیه بقعه کار شده. در این دیوارنگاره، شاهد اجماع همه روایت واقعه با تصاویری ساده و بیانی صریح هستیم. اگرچه موضوع این اثر با تصویر شماره ۲ یکی است، ولی نحوه برخورد هنرمندان در بیان تصویری این مجلس متفاوت است. در این مجلس، همه روایت موجز شده و با بیانی صریح به تصویر درآمده است.

۴. بقعه امامزاده سیدحسین و آقاسیدابراهیم بن امام موسی کاظم علیه السلام

بقعه این دو امامزاده، واقع در فشکالی محله لنگرود، از قدیم پناهگاه بی‌پناهان و در راه ماندگان و دردمندان بود. «بقعه قدیمی دو امامزاده‌ای که با پسوند «کیا» همراه است. از قدیم... بر اثر اعتقاد و ایمانی که ساکنان محل به آن داشتند، مکان بست

بود و بی‌پناهان یا جنایتکارانی که می‌خواستند از چنگال انتقام خلاص یابند، به این بقعه روی می‌آوردند». (همان، ص ۲۳۹)

این بقعه که بنایی آجری و سقفی سفالی دارد، ضریح دو امامزاده را در اطافی چهارگوش دربر گرفته است. چهار کنج دیوارهای این بنا با چهار گوشواره جمع شده‌اند و گنبد مدوری بر طاق آن قرار دارد. دیوارهای داخلی و خارجی بقعه از کاشی پوشانده شده‌اند. ایوان اطراف بقعه مسقف بوده، از یک طرف نیز با پنجره‌های شیشه‌ای محصور شده است. پایین دیوار داخلی و خارجی بقعه با کاشی‌های هفت رنگ که منقوش به گل و پرند و تزیینات ذهنی دیگر است، پوشانده شده و بر قسمت فوقانی دیوارهای داخلی و خارجی بقعه، مجالس مذهبی شیعی نقاشی شده است. دیوارنگاره‌های این بقعه احتمالاً بیش از صد سال قدمت داشته باشد.

بر در ورودی بقعه، به ترتیب مجالس زیر دیده می‌شوند: ۱. مجلس نبرد حضرت قاسم علیه السلام و به میدان رفتن ایشان؛ ۲. مجلس نبرد حضرت علی اکبر علیه السلام؛ ۳. مجلس حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله؛ ۴. صحنه ظهر عاشورا؛ ۵. یکی از علمای لنگرود به نام شمس‌العلماء؛ ۶. یک عالم لنگرودی؛ ۷. مجلس جنگ مسلم بن عقیل با کوفیان؛ ۸. مجلس قیام مختار و انتقام از کوفیان به خون‌خواهی امام حسین علیه السلام؛ ۹. ازرق شامی با شمع آجین روی دستانش؛ ۱۰. مجلس به میدان رفتن حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام؛ ۱۱. مجلس بیماری حضرت زین‌العابدین علیه السلام؛ ۱۲. مجلس شهادت حضرت علی اصغر علیه السلام.

تفاوت نقاشی دیوارنگاره‌های این بقاع با بقعه‌های دیگر در آن است که به نظر می‌رسد نقاش آن با آگاهی و تبحر بیشتری اصول نقاشی را رعایت کرده است. در مجاورت این بقعه سقاخانه‌ای قرار دارد که دیوارهای آن پوشیده از نقاشی‌هایی با کاشی‌های لعابی است و تقریباً همگی دارای مضامین عاشورایی و وقایع شیعی است؛ مجالسی چون «اشک خون ریختن شیران و پرندگان بر جنازه‌های بی‌سر و تیرباران‌شده شهدا»، «شام غریبان»، «بردن اسیران و سرهای شهدا به شام»، «در کاخ

یزید»، «حارث و طفلان مسلم»، «نبرد حضرت مسلم با کوفیان»، «قیام مختار و خون‌خواهی او از کوفیان». در تصویر شماره ۷، حضرت امام حسین علیه السلام را بر بالین تیرخورده علی اکبر علیه السلام می‌بینیم؛ در حالی که دستان بریده حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در سمت راست تصویر دیده می‌شود. اگرچه صحنه این تصویر بسیار سوزناک است، ولی نقاش چهره امام و علی اکبر علیه السلام را آرام و موقر به نمایش درآورده است. در تصویر شماره ۸، «در بارگاه یزید» نیز که یزید را در حال توهین به سر بریده حضرت امام حسین علیه السلام و شهدای واقعه کربلا می‌بینیم، همین احساس آرامش و وقار در چهره شهدا مشخص است. نکته قابل تأمل آنکه چهره، آرایش و پوشش یزید، به حاکمان قاجاری شباهت دارد. این مطلب نشانگر نفرت مردم از حاکمان دوران و انتساب ایشان به یزیدیان دارد.

۵. بقعه آقاسیدمحمد یمنی بن امام موسی الکاظم علیه السلام

این بقعه واقع در روستای لیچا، لشت نشا، یکی از بقعه‌هایی است که بر دیوارهای داخلی و خارجی و ستون‌های آن نقاشی‌هایی با مضامین مذهبی کشیده شده است. در دهه اخیر، به دلیل رطوبت، تا کمر دیوار بقعه را با سنگ پوشانده‌اند. به همین علت، نیمی از نقاشی دیوارهای ایوان و ستون‌ها از بین رفته است. نقاشی‌های بقاع را مشهدی آقاجان، فرزند مرحوم استاد غلامحسین نقاش لاهیجانی، به سال ۱۳۴۴ق کشیده است. ضریح فلزی مشبکی بر روی مرقد آقاسیدمحمد قرار دارد. این بقعه نیز شامل یک اتاق چهارگوش مرکزی است که ایوان مسقفی آن را احاطه کرده است. دورتادور دیوار خارجی اطاق اصلی، نقاشی‌هایی با موضوعاتی مانند معراج پیامبر صلی الله علیه و آله، واقعه کربلا، گهواره علی اصغر علیه السلام، پل صراط، حضرت علی اکبر علیه السلام سوار بر اسب کنار خیمه‌ها، میدان قتلگاه و بردن غریبانة اسیران و سرهای شهدا به شام دیده می‌شود. افزون بر ترسیم موضوعات مذهبی بر دیوارهای این بقعه، نقوش گل و مرغ و مرصع و نقوش تزیینی دیگر نیز به کار رفته است. سقف ساختمان بیرونی بقعه با دوازده ستون نگه داشته شده که بر روی هر ستون از دو طرف به صورت موضوعی کار شده است.

در تصویر شماره ۹، قسمتی از دیوارنگاره «بردن سرهای شهدا و سر امام حسین علیه السلام» به همراه اسرا توسط لشکر یزید به شام» را از ایوان شرقی مشاهده می‌کنیم. این کار یکی از جان‌گدازترین دیوارنگاره‌هایی است که مظلومیت اهل‌بیت و رنج اسارت ایشان را به دست پلیدترین و نابکارترین افراد نشان می‌دهد. در این اثر، با ساده‌ترین خطوط و اشکال، معانی بلند باور شیعی را می‌توان مشاهده کرد؛ پیروزی حق بر باطل. اگرچه به‌ظاهر پیروزی با یزیدیان است، ولی چون باطل‌اند، چهره‌ای گرفته و عبوس دارند و ضلالت و پستی را هنرمندانه در صورت ایشان می‌توان دید؛ اما راه امامت و شهادت حق است، سر مبارک حضرت امام حسین علیه السلام در مرکز کار قرار دارد و نورافشانی می‌کند. در تصویر شماره ۱۰، که قسمتی از «شکنجه عوامل واقعه کربلا و یزیدیان» را نشان می‌دهد، باز به این مضمون اشاره دارد که عاقبت پلیدی و خیانت به امامت و جزای دنیایی آن، حقارت و شکنجه کفار است. سبیل‌های تابناگوش آویخته و نوع آرایش و پوشش یزیدیان در آثار این بقعه نیز نشان از پوشش و منش حاکمان و خان‌های دوران دارد؛ و این یکی از راه‌های مبارزه مردم با ظلم حاکمان زمانه است که بیان می‌کند حاکمان زمانه باطل‌اند و رو به نابودی و فنا دارند و مردم چون همسو با باور امامان شیعه و اهل‌بیت‌اند پیروز حقیقی‌اند.

از نکات قابل ذکر در اینجا آن است که هر یک از مجالس دیوارنگاره‌های این بقعه، توسط یکی از اهالی محلی روستای لیچا وقف شده است؛ به این صورت که هر یک از مردم، تمامی خرج نقاش را برعهده می‌گرفتند تا یک مجلس نقاشی را به پایان رساند. از این رو، پس از پایان هر یک از نقاشی‌ها، در کنار موضوع نقاشی، نام وقف‌کننده آن نیز ثبت شده است. (شادقزوینی، ۱۳۸۹، ص ۲۶)

وقف دیوارنگاره‌ها در این امامزاده، نشانگر احترام و ارزش معنوی والای این تصاویر نزد مردمی است که برای شفاعت و توسل و ایجاد رابطه معنوی با صاحب تصویر، به این کار مبادرت می‌کردند. اگرچه این دیوارنگاره‌ها نزدیک به نود سال پیش نقاشی شده‌اند، ولی مضامین حماسی این دیوارنگاره‌ها، در باور شیعی مردم

منطقه همچنان نقشی مهم و تأثیرگذار داشته است و هنوز در کنار این بقعه، مراسم تاسوعا و عاشورا برگزار می‌شود و در ایام محرم و صفر تکیه‌گاه و پناهگاه مردم بومی به‌شمار می‌آید. بی‌شک اگر در گذشته همه‌اهل محل با حسی مشترک و هدفی واحد برای حفظ حریم عقاید شیعی خود و بیان رشادت‌ها و رادمردی‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام در واقعه کربلا و انتقال آن به نسل‌های پس از خود، به بیان این باورها در قالب تصاویر دیوارنگاره‌های این بقعه‌ها پرداختند، امروزه نیز به واسطه همین ویژگی اعتقادی، می‌توان نوعی حمایت مردم منطقه را در ارتباط با حفظ حرمت بقعه‌ها شاهد بود.

نتیجه

همان‌گونه که بیان شد، نقش زدن بر دیوارهای بقاع متبرک، سنتی دیرینه در گیلان است که اگرچه تاریخ دقیق شکل‌گیری این سنت هنری در منطقه مشخص نیست، ولی از شواهد به‌نظر می‌رسد قدمتی حدود دو قرن دارد.

این نقاشی‌ها که بیشتر مضامین مذهبی را دربر دارند، اکثراً بر محور موضوعات حماسه عاشورا، روز جزا و قیامت، و داستان شهادت ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌گردند که بیانگر روحیات ظلم‌ستیز مردم منطقه است. این دیوارنگاره‌ها منبع بسیار خوبی برای تحقیقات جامعه‌شناسی شیعی، مردم‌شناسی و زیباشناسی منطقه‌اند.

در بررسی مضمونی دیوارنگاره‌های بقاع، به این نتیجه مهم رسیدیم که جنبه بیان احساس و شور و حال معنوی موضوعات، قوتی بی‌نظیر دارد. همین عشق معنوی هنرمند، وقتی به‌ظهور می‌رسد، باورهای شیعی مردم منطقه را به جوشش وامی‌دارد و بر شوق و ذوق ایشان می‌افزاید.

در این مقاله تأکید کردیم:

۱. عاشورا تجلی باور شیعی است. اگر نهضت عاشورا نبود؛ شاید هرگز مذهب تشیع و کلام و تفکر شیعی نمی‌توانست به این قوت تحقق اجتماعی پیدا کند؛
۲. بقعه‌ها که مزار امامزادگان و شهیدانند، از جایگاهی معنوی در میان مردم برخوردارند و در سده‌های گذشته مأمن و پناهگاه مردم ستمدیده و بی‌پناه بودند؛

۳. ظهور مضامین عاشورایی در دیوارنگاره‌های بقاع متبرک، از نشانه‌های باور شیعی در میان مردم منطقه است؛

۴. استفاده از نشانه‌ها و نمادهای عاشورایی، بر اقتدار و صلابت مذهبی مردم می‌افزود؛

۵. مضامین عاشورایی این دیوارنگاره‌ها، نوعی مبارزه مردم در برابر ظلم حاکمان بود که با اسطوره‌پردازی تصویری سیدالشهدا علیه السلام و یاران امام، بر حقانیت راه ایشان تأکید می‌کردند. در حقیقت، این آثار به ایشان قدرت و توانایی مبارزه با استبداد و ستم را می‌بخشید؛

۶. این مضامین برای مردم جنبه سرگرمی و تزیین نداشت؛ بلکه بار معنایی، محتوایی و مذهبی به ایشان می‌بخشید و آرامش روح در ایشان ایجاد می‌کرد؛

۷. مردم منطقه برای ترسیم مضامین عاشورایی نذر می‌کردند و این نگاره‌ها را وقف آن اماکن شریف می‌نمودند.

زمانی مردم، خود متولیان و پاسداران اصلی این دیوارنگاره‌ها بودند و این آثار را، نه فقط از منظر زیبایی و هنری بودن، بلکه بیش از آن به‌عنوان امری مقدس و قابل احترام ارج می‌گذاشتند و در حفظ آن کوشا بودند. این دیوارنگاره‌ها برای مردم نیم‌قرن پیش، تنها جنبه پوشش دیوارها یا نمایش یک مضمون مذهبی را نداشت؛ بلکه فراتر از آن، روایت یک اعتقاد و باور بود که بدان وسیله هویت شیعی خود را بیان می‌داشتند و رنج و درد و محرومیتشان را در آن به تصویر می‌کشیدند. مردم منطقه، ظلم روا شده به اهل‌بیت علیهم السلام را درد خود می‌دانستند. این دیوارنگاره‌ها آینه تمام‌نمای رنج‌ها و محنت‌ها و مصیبت‌های ایشان بود.

اگرچه هر یک از این بقاع، امروزه می‌تواند یک موزه شیعه‌شناسی باشد و به‌عنوان میراثی معنوی، فرهنگی و ملی به‌شمار آید که ارزش‌های نهفته در آن باید حفظ شود، ولی متأسفانه به‌بوته فراموشی سپرده شده‌اند. نقاشی بر دیوارهای بقاع متبرک که سنتی قدیمی در گیلان بوده، متأسفانه در چند دهه اخیر کاملاً منسوخ شده است و دیوارنگاره‌های برجامانده نیز به علت تغییرات جوی یا تغییرات و بازسازی‌های غیراصولی، یا از بین رفته‌اند یا به صورتی متروک رها شده‌اند. افزون بر این، در

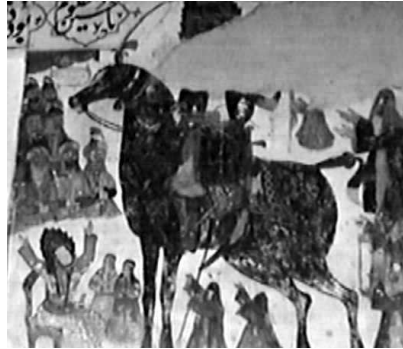
اختیار بودن وسایل ارتباط جمعی و سرگرمی‌های گوناگون، دغدغه ارتباط معنایی با مضامین این تصاویر را نزد مردم کم‌رنگ‌تر کرده است. حفظ معنوی و مرمت این آثار، امروزه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.



تصویر ۱. به میدان رفتن حضرت علی‌اکبر علیه السلام شیون و فغان اهل حرم (حضرت زینب علیها السلام، سکینه و...) در کنار بستر حضرت زین‌العابدین علیه السلام و گهواره علی‌اصغر علیه السلام. بقعه آفاسیدمحمد بن امام جعفر صادق علیه السلام در محله پینجا آستانه اشرفیه. عکاسی در سال ۱۳۶۵. در حال حاضر این تصویر از بین رفته است.



تصویر ۲. حضرت سیدالشهدا علیه السلام با جناب علی‌اصغر علیه السلام آمدن فرشتگان و آمدن جعفر جنی و سپاه جنیان به یاری امام حسین علیه السلام، بقعه آفاسیدمحمد بن امام جعفر صادق علیه السلام در محله پینجا آستانه اشرفیه. عکاسی در سال ۱۳۶۵. در حال حاضر این تصویر از بین رفته است.



تصویر ۳. به میدان رفتن حضرت علی اکبر علیه السلام، شیون و فغان اهل حرم (حضرت زینب علیها السلام، سکینه و...)، بقعه چهار پادشاه لاهیجان. عکاسی در سال ۱۳۸۵.



تصویر ۴. رفتن قمر بنی‌هاشم علمدار کربلا حضرت ابوالفضل‌العباس علیه السلام به سمت شریعه فرات برای آوردن آب. بقعه چهار پادشاه لاهیجان. عکاسی در سال ۱۳۸۵.



تصویر ۵. نبرد حضرت قاسم علیه السلام با ازرق شامی و پسرانش. فضای داخلی بقعه ملاپیرشمس‌الدین واقع در محله لاشیدان حکومتی لاهیجان. عکاسی در سال ۱۳۸۵.



تصویر ۶. حضرت سیدالشهدا علیه السلام با جناب علی اصغر علیه السلام آمدن فرشتگان و آمدن جعفر جتی و سپاه جنیان به یاری امام حسین علیه السلام. بقعه ملاپیرشمس‌الدین واقع در محله لاشیدان حکومتی لاهیجان. عکاسی در سال ۱۳۸۵.



تصویر ۷. حضرت امام حسین علیه السلام بر بالین تیر خورده علی اکبر علیه السلام. بقعه امامزاده سیدحسین و آقاسیدابراهیم بن امام موسی کاظم علیه السلام واقع در فشکالی محله لنگرود. عکاسی در سال ۱۳۸۵.



تصویر ۸. در بارگاه یزید؛ توهین به سر بریده حضرت امام حسین علیه السلام و شهدای واقعه کربلا. بقعه امامزاده سیدحسین و آقاسیدابراهیم بن امام موسی کاظم علیه السلام واقع در فشکالی محله لنگرود. عکاسی سال ۱۳۸۵.



تصویر ۹. بردن سرهای شهدا و سر امام حسین علیه السلام توسط لشکر یزیدیان به شام. بقعه آقاسیدمحمد
یمنی بن امام موسی الکاظم علیه السلام واقع در روستای لیچا. عکاسی در سال ۱۳۸۵.



تصویر ۱۰. شکنجه عوامل واقعه کربلا و یزیدیان. بقعه آقاسیدمحمد یمنی بن امام موسی الکاظم علیه السلام
واقع در روستای لیچا. عکاسی در سال ۱۳۸۵.

منابع

۱. اخویان، مهدی، بررسی نقاشی‌های دیواری در امامزاده‌های شمال ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، بهار ۱۳۷۵.
۲. الهی، محبوبه، تجلی عاشورا در هنر ایران، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
۳. استرآبادی، لوریس، ابوسعید عبدالرحمن، تاریخ استرآباد، بی‌جا، بی‌تا.
۴. استووارت، سفرنامه، ترجمه احمد توکلی، فرهنگ ایران زمین، بی‌جا، بی‌تا.
۵. اصلاح عربانی، ابراهیم، کتاب گیلان ما، ۳ جلد، تهران، گروه پژوهشگران ایران، ۱۳۷۴.
۶. افشار، ایرج، فهرست مقالات فارسی، ج ۱، تهران، ۱۳۴۸.
۷. برزگر، اردشیر بن آقاجسن، طبرستان پس از اسلام، ج ۲، تهران، ۱۳۳۴.
۸. پاینده، محمود، قیام غریب شاه گیلانی، تهران، سحر، بی‌تا.
۹. حقیقت، عبدالرفیع، تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، بی‌جا، بی‌تا.
۱۰. حقیقت، عبدالرفیع، تاریخ جنبش‌های مذهبی در ایران، ج ۲، بی‌جا، بی‌تا.
۱۱. حیدری ابراهیم، تراژدی کربلا، بیروت، دارالساقی، ۱۹۹۹ م.
۱۲. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، بی‌جا، بی‌تا.
۱۳. رایینو، ه. ل، تاریخ گیلان و دیلمستان، تصحیح منوچهر ستوده، بی‌جا، بی‌تا.
۱۴. رایینو، سفرنامه، مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶. رفیعی، بهروز
۱۵. رفیعی، بهروز، «جامعه‌شناسی گفتمان شیعی»، مجله علوم انسانی، حوزه و دانشگاه، ش ۳۳، زمستان ۱۳۸۱.
۱۶. ستوده، منوچهر، از آستارا تا استرآباد، تهران، ۱۳۴۹.
۱۷. سعیدیان، عبدالحسین، دائرةالمعارف سرزمین و مردم ایران، تهران، ۱۳۶۰.
۱۸. شادقزویی، پریسا، «بررسی مضمونی و زیباشناسی نقاشی‌های عامیانه در بقعه لیچا»، مجله هنرهای زیبا، بهار ۱۳۸۹.
۱۹. فریه، دلیو، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، ۱۳۸۰.

۲۰. کاتب، اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن، **تاریخ طبرستان**، تصحیح عباس اقبال، تهران، خرداد ۱۳۲۰.
۲۱. کتابی، احمد، **سرزمین میرزا کوچک خان**، بی‌جا، بی‌تا.
۲۲. کریستیان بازن، رسل، **گیلان و آذربایجان**، بی‌جا، بی‌تا.
۲۳. کشاورز، کریم، **کتاب گیلان**، مقاله «تاریخچه گیلان»، بی‌جا، بی‌تا.
۲۴. کنارودی، قربانعلی و سهیلا نعیمی، «علل تداوم حکومت سادات آل‌کیا در گیلان»، **فصلنامه شیعه‌شناسی**، سال نهم، ش ۳۴، تابستان ۱۳۹۰.
۲۵. مصاحبه با عباس بلوکی‌فر، **فصلنامه هنر**، دوره ۳، ش ۲، ۱۳۶۴.
۲۶. مرعشی، سیدنصیرالدین، **تاریخ گیلان و دیلمستان**، رشت، مطبعة عروة الوثقی، ۱۳۳۰ ق.
۲۷. میرابوالقاسمی، سیدمحمدتقی، **گیلان از آغاز تا انقلاب مشروطیت**، بی‌جا، بی‌تا.
۲۸. میرزایی مهر، علی‌اصغر، **نقاشی‌های بقاع متبرکه در ایران**، تهران، ۱۳۸۶.
۲۹. نفیسی، سعید، **آثار تاریخی چهار پادشاه در لاهیجان**، تعلیم و تربیت، فهرست مقالات فارسی، ج ۱، ش ۲۴۳۶.
۳۰. هدایت، رضاقلی‌خان، **روضه الصفای ناصری**، تهران، قم، ۱۳۳۹.